

# مبارزه با دشمنان دمکراسی ایران از سیاوش ایراندوست

برخی با خیره شدن در قدری دولت آمریکا در سیاست خارجی می‌گویند که دمکراسی خواهان ایران باید به آمریکا متمایل شوند تا از قدرتش برای آزادی ایران بهره ببرند! و با فراموشی ستیزه جویی آمریکا، ادامه می‌دهند که دوره‌ی ستیز تمام شده و دوره‌ی استقلال هم سر آمده و استقلال معنا و مصدق ندارد! و همان برخی با مغشوش ساختن تاریخ اضافه می‌کنند که اگر مصدق با آمریکا سازش می‌کرد، و با بله گفتن به او بر سر قدرت می‌ماند، بهتر از کودتای آمریکا علیه دولت مصدق بود و وضع ایران امروز بهتر می‌شد!

تخطیه‌ی استقلال و دموکراسی خواهی مصدق برای توجیه وابستگی و دیکتا توری طلبی امروز خودشان است. مصدق پس از ملی کردن نفت، همه‌ی راههای مذاکره با انگلیس را پیگیری کرده بود ولی انگلیس قصد نداشت با دولت مصدق کنار بیاید و در صدد سرنگونی اش بود. و همچنین شخص دموکراتی مانند مصدق نمی‌تواند در رأس دیکتا توری اتوریتر بنشیند. همان شاه و افرادی در آن سطح می‌توانند دست نشاندگی و نوکری خارجی و دیکتا توری داخلی را بپذیرند، و امروز هم پهلوی طلبان و هم اصلاح طلبان اسلامگرا در صدد ایفای چنین نقشی برای خودشان هستند و باید با این دیکتا توری اتوریتر خواهان و طرح حامی اش ستیز و مقابله کرد.

آمریکا علیه دمکراسی مصدق کودتا کرده و تا به امروز با دمکراسی خواهان ایران مقابله کرده و طرف مخاطبیش در ایران، دیکتا توری طلبان ایرانی (پهلوی طلبان و مجاهدین و اصلاح طلبان اسلامگرا، به همراهی فدرال طلبان قومگرای افراطی) است. و هدفش برقراری حکومت دست نشانده در ایران از نوع عربستان سعودی و شاه پهلوی است، یعنی در پی برقراری دیکتا توری اتوریتر در ایران است تا بعد با همراهی تجزیه طلبان فاسیست، ایران را از هم بپاشاند.

دمکراسی بدون استقلال سیاسی ممکن نیست، دمکراسی یعنی اداره‌ی کشور به اراده‌ی مردمش نه به میل آمریکا. استقلال سیاسی معنا دارد: تصمیم‌گیری سیاسی برای ایران توسط ملت ایران از طریق دمکراسی با در نظر گرفتن موانع و محدودیتهای جهان واقع و پذیرفتن مسئولیت تصمیمهای عملکردی خودمان. شعار پایان یافتن دوره‌ی استقلال، یکی از تبلیغات یاوه‌ی آمریکا طلبان است برای توجیه سرسپردگی شان.

برای برقراری دمکراسی در ایران باید منافع ملت ایران را در نظر داشت نه منافع بیگانگان را: با کنار گذاشتن مزدوران نومحافظه کاران و وطن فروشان سقوط کرده در دامن آمریکا و اسرائیل و عربستان سعودی از صحنه‌ی مبارزه‌ی آزادیخواهانه‌ی مردم ایران. مشخص است که وظیفه‌ی آزادیخواهان ایران، ستیز با دیکتا توری طلبان و طرح پشتیبانش است برای از میدان به در کردنشان، و پیروزی و برقراری دمکراسی در ایران. آمریکا با دمکراسی خواهان ایران مقابله می‌کند، و با راه دمکراسی ایران که راه مصدق است، دشمنی می‌کند. طرح خاورمیانه‌ی جدید که آمریکا بازیچه‌ی اسرائیل شده و این همه جنایات علیه بشریت در منطقه به خاطر این طرح احمقانه انجام داده است و لقمه‌ی اصلی این طرح، کشور ایران است که نمی‌تواند از عهده اش برباید.

از آنجا که ایران قدرت جهانی نیست، در این جهان چندقطبی که به دروغ از سوی آمریکا و آمریکا طلبان تک قطبی تبلیغ می‌شود، راه تعامل سیاسی همان پایبندی به استقلال سیاسی کشور و توان بازدارندگی دفاعی داخلی و موازنه‌ی منفی مصدق است: اختیار ایران همیشه باید به دست ایرانیان باشد، و منافع ملی ایران در سطح بین‌المللی با حفظ تعادل و مانور بین قدرتهای جهانی، پیگیری شود. امروز این راه تعامل با برقراری دمکراسی در ایران از همیشه آسانتر است.

باید از آمریکا طلبان خواست که به جای تکرار طوطی وار نام کشورهای ژاپن و کره جنوبی و مالزی و اندونزی و ... به این پرسشها پاسخ دهند که دولت آمریکا با مردم خاورمیانه چگونه رفتار می‌کند؟ چرا آمریکا با همراهی متحдан منطقه‌ای احمقش، داعش وحشی را به جان مردم سوریه و عراق انداخته بود؟ سوقات دمکراسی آمریکا در افغانستان و لیبی خوشمزه است؟ جنایات علیه بشریت آمریکا در منطقه تقصیر آمریکاست یا دیگران؟ دمکراسی خواهان ایران به آمریکا متمایل شوند که آمریکا نقشه‌ی خاورمیانه‌ی جدید اسرائیل را اجرا کند و ایران را تکه پاره کند؟

شکست نیروهای نیابتی آمریکا یعنی داعش در عراق و سوریه توسط ایران، شکستی سنگین بر نقشه‌ی شوم خاورمیانه‌ی جدید وارد آورد. آمریکا نه توان مقابله با جمهوری اسلامی در منطقه را دارد و نه توان برانداختن را. و در صدد سؤاستفاده از توان مخالفت مردم ایران با حکومت اسلامی برای رسیدن به مقاصد شومش در منطقه است. باید به آمریکا طلبان بادآور شد که موضوع را وارونه جلوه ندهند و در حقیقت این آمریکاست که می‌خواهد از قدرت مردم ایران بهره ببرد و آمریکا به قدرت مردم ایران نیاز دارد، نه دمکراسی خواهان ایران

به قدرت آمریکا برای آزادی ایران، که آمریکا نه قصدش را دارد و نه قادرتش را.

هر چند آمریکا در جنگ اقتصادی علیه ایران موفق عمل کرده و به همت دولت بی تدبیر و دغل روحانی، و سیستم دردسرالارانه‌ی جمهوری اسلامی، ایران را به این روز اقتصادی انداخته است، ولی موقعیت و قدرت منطقه‌ای ایران طبیعی این کشور است و آمریکا نمی‌تواند ملت به این عظمتی را به روز لیبی بیاندازد. آمریکا توان برانداختن جمهوری اسلامی را ندارد، و تحریمها و تهدیدها یش به نفع دیکتا توری اسلامگرای مستقر و به ضرر مردم ایران عمل می‌کند.

با وجود زمینه چینی‌های اسرائیل و نویم حافظه کاران آمریکا بی‌کارگزار اسرائیل برای جنگ نظامی آمریکا علیه ایران، به احتمال زیاد جنگی مستقیم صورت خواهد گرفت، که خطرات و زیانها و تبعاتش برای آمریکا و اسرائیل سراسام آور خواهد بود و به همین دلیل توان انجام چنین حماقتی را خواهند داشت. ولی اگر جنگی علیه ایران تحمیل شود، در هم شکستن دشمنان ایران تنها چاره مان است: در دفاع از ایران در مقابله با دشمنان ایران، چاره‌ای نیست جز اینکه دشمنان ایران را به خاک بسپاریم.

هرکس با ایران طرف شود، باید با ملت ایران مصاف بدهد. طرف شدن با قدرت ملت ایران از عهده‌ی هیچ قدرتی برنمی‌آید، و حماقت جنگ علیه ایران، نابودی پایگاههای منطقه‌ای آمریکا و پایان حضورش در منطقه را رقم خواهد زد. و پایان ناگزیرش، شکست نهایی دولت آمریکا در منطقه و متعاقب آن پایان محور شرارت منطقه یعنی دولت فاشیستی قومی یهودی اسرائیل خواهد بود: البته با تشکیل دولت فراگیر ملی عادی در سرزمین فلسطین که حقوق شهروندی برابر همه‌ی مردم و ساکنان سرزمین فلسطین را به رسمیت بشناسد.

دموکراسی در سیاست داخلی برقرار می‌شود و مشکل مردم ایران در این زمینه به مردم ایران مربوط است و حلش هم فقط در توان خودشان است: مردم ایران با برقرار ساختن نظام سیاسی دموکراسی لائیک جمهوری ایران، حقوق شهروندی برابر برای همه‌ی مردم ایران برقرار می‌کنند. بدون حصار مستحکم سیاسی و نظامی ایران، دموکراسی دوام نمی‌آورد.

دموکراسی با توان داخلی و قدرت مردم ایران برقرار می‌شود و هیچ کمکی از آمریکا و آمریکا طلبان ساخته نیست که اصلاً سیاست آمریکا شر رساندن است و سؤاستفاده از توان مخالفت مردم ایران برای پیشبرد اهداف منطقه‌ای شومش، چون که خودش توانایی پیروزی منطقه‌ای در مقابل ایران را ندارد.

در سیاست خارجی دوست و دشمن دائمی نداریم، بلکه منافع ملی ایران

را داریم و اساس منافع ملی ایران بر پایداری کشور ایران، و برقراری و تثبیت دمکراسی در آن است. برای برقراری دمکراسی در ایران باید با دشمنان دمکراسی ایران، ستیز و مبارزه کنیم تا به پیروزی دمکراسی ایران برسیم. این مشکل ستیز، مشکل دیکتا توری خواهان است و نمی توان استبداد طلبی و کوشش برای برقراری دیکتا توری را محترم شمرد و باید با آنها مقابله کرد.

مبارزه با دخالت خارجی برای حفاظت از مردم و دولت و کشور ایران و جلوگیری از دست اندازی آمریکا و بیگانگان در حق حاکمیت ملی ملت ایران است. برای مقابله با دخالت خارجی در انقلاب بعدی مردم ایران برای برقراری دمکراسی، و دفع شرهای آمریکا و دست نشاندگانش، پیگیری استراتژی سیاسی مشخص و پیروی از رهبری سیاسی دموکرات که سابقه‌ی فعالیتش تداوم راه مصدق و شرح برنامه اش حاکی از حفاظت استقلال سیاسی ایران و احقاق حق حاکمیت ملی ملت ایران و آزادیخواهی و عدالتخواهی واقعی باشد، لازمه‌ی پیروزی است.

پیروزی دمکراسی یعنی شکست دشمنانش. برای برقراری دمکراسی باید از شر استبداد خلاص شویم: با براندازی دیکتا توری اسلامگرایی مستقر و مبارزه با دیکتا توری طلبان پهلوی و دیکتا توری طلبان اسلامگرای اصلاح طلب و مجاهدین برای بیرون راندنشان از صحنه‌ی مبارزه‌ی آزادیخواهانه‌ی مردم ایران. این راه خلاصی از شر استبداد برای همیشه، در جبهه‌ی جمهوری دوم برای برقراری جمهوری دمکراتیک و لائیک ایران ارائه شده است. برای برقراری دمکراسی در ایران به جبهه‌ی جمهوری دوم ایران بپیوندید.

ایران - 31 اردیبهشت 1398

این مقاله از سایت ایران لیبرال ([iranliberal.com](http://iranliberal.com)) برگرفته شده است.